



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۸/۲۰



احسان الله مایار

منار و یا جای نور عاصی

به خاطر دارم که چند سال قبل در قبال جشن استقلال مضمونی نوشتم که بخت با او یاری کرد و در سایت "افغان جرمن آنلاین" نشر شد.

امروز خواستم بدانجا سری زنم تا مضمون آن زمان را مرور نمایم، لیک متوجه شدم که میر غضب بار دیگر چین زرد در بر اسم بنده را از لست نویسندگان حذف نموده که چیزی به دست آمده نتوانست. سر جنباندم و تعجب کردم که در این زمان و وضع ما چنین بازی های طفلانه!

افغانستان بعد از گذشت چندین دهه شخصیتی را، با اسم اشرف غنی در دامن وطن به قدرت رسانید که محیط و ماحول زندگی خود را در محور خدمت به خاک و مردم آن وقف نموده که به دوام عمرش و وفایش به خاک محروم افغانستان دعا می کنم.

کابل و ماحولش در تجلیل صدمین سال روز استرداد استقلال آمادگی می گیرد. فوتو های امیر امان الله خان در تمام شهر کابل نصب شده است و قصر دارالامان قفقوس وار برای دومین و یا سومین بار از زیر خاکستر با پر های رنگارنگ سر بالا کرد تا چشمان را روشن و عید مبارکی دهد.

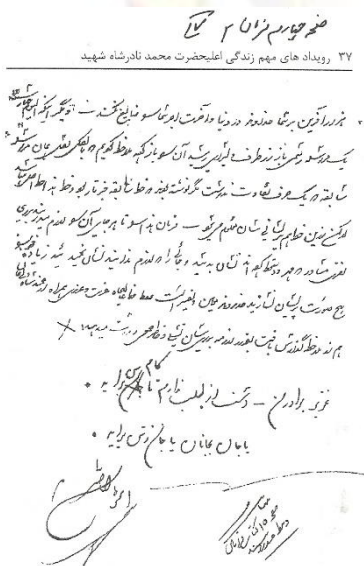
کمبودی که بنده در تجلیل همه خوشی ها احساس می کنم نبود یاد عمدی از چهل و چند سال پادشاهی اعلیحضرتین محمد نادرشاه و محمد ظاهر شاه است که بعقیده بنده نباید آنرا نادیده گرفت.

فکر کرده نمی توانم که بعد ترک کردن شاه امان الله از وطن و حکمرانی نه ماهه دوره تاریک جهل و فساد، بدیلی در قبال نجات کشور با درایت و کفایت سپه سالار محمد نادر خان وجود داشت که نسبت به نیستی و یا کمبود آن اشک حسرت ریخت؟

از خوانندگان گرامی تمنا دارم تا بدون راه دادن بغض و کینه در ذهن منیث یک انسان روشنفکر و روشن ضمیر به وضاحت و اگر خواسته باشند با تفصیل توضیح نمایند "اگر سردار محمد نادر خان با برداران وی در آن برهه زمان در جهان هستی وجود نمی

داشتند، پس کی میتوانست افغانستان را از شر امیر حبیب الله دوم رهائی بخشد؟"

استنباط موضوع در قید ریتوریک با اگر و مگر ضیاع وقت بوده و نیز متاعی ندارد که بدان ارزش قایل شد.



فکر نمی کنید که یاد نمودن آنها و از دوران سلطنت چندین دهه شان جفائی در حق تأریخ معاصر کشور نخواهد بود؟

این مبحث را کنار میگذارم و قدمی پیشتر گذاشته یاد از نامه ای و یا فرمانی می نمایم که امیر امان الله خان، شاه افغانستان بعنوان سپه سالار برومند خود می نویسد که قسمت اخیر آن از نظر خوانندگان گرامی گزارش می یابد. تفسیر این فرامین و مقال مربوط آن در سایت "افغان جرمن آنلاین" نشر شده که نسبت به عدم دسترسی به آن و از نقیصه آن در بالا صحبت شد.

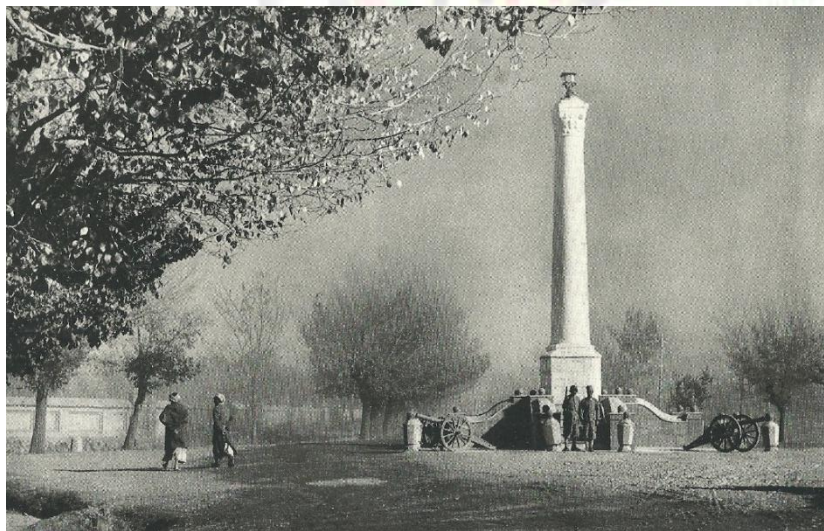
در اخیر فرمان شاه امان الله به قلم خود سپه سالار را عزیز برادر من خطاب نموده و بیتی در آن اضافه میکند که ایجاب تفسیر را نمی نماید.

هر آنچه بود گذشت و در دل تأریخ گزارش آن ثبت گردیده که با نوشته های خوش بینانه و یا غرض آلود تغییری در آن وارد شده نمی تواند. یاد منار عاصی فراموش نشود، اینک بر می گردم بالای مطلب:

چند هفته بعد از روزی که به امریکا رسیدم در صدد بدست آوردن و جمع آوری مجلات "نشنل جیوگرافیک" شدم که در مورد افغانستان مقالاتی داشته باشد.

خوشبختانه که از سال ۱۹۳۳ تا حوالی سال های ۹۰ میلادی در حدود پنجاه جلد از مجله یاد شده ابتیاع نموده ام که در آن از سفر های مردم امریکا در افغانستان راپور های بسیار زیبا تهیه شده است.

مجله ماه اکتوبر ۱۹۴۸م شخصی با اسم "مینارد اوین ویلیام" خبرنگار نشنل جیوگرافیک، در ۳۱ صفحه با تصویر های زیبا راپوری تهیه نموده که نهایت جالب و زیبا است.



The Flame of Afghan Liberty Shines from the Independence Column at Kabul
Though world conquerors have marched through his valleys, the warlike Afghan in his mountain fortresses has never been permanently subjected. Afghanistan's independence dates back to thirty years before the United States was born. Its full control of its foreign relations makes it an effective buffer State between India and Russia.

یکی از تصویر ها که از نظر خوانندگان گزارش می یابد، مناریست بهر اسم و رسم ایکه می نامید و یا می شناسید که امروز در محل زیبایش وجود ندارد. سخن به اطالت نکشد مختصر می کنم به دو سؤال ساده:

فکر می کنم اگر شخصی دشمنی با معمار این منار می داشت امکان نداشت

ویلیام می نویسد: شعله آزادی افغان از منار استقلال در کابل تجلی می کند

که کتیبه آنرا هر آنچه داشت و نداشت از جایش بر می داشت و در عوضش کتیبه ای " بنام شهدای گمنام راه آزادی - استقلال" نصب می کرد؟ و نمی دانم این منار رسا مستوجب کدام گناهی شده بود که بایست از بیخ و بُن نیست و نابود شود؟ والله اعلم بالصواب